

مطالعه تطبیقی سبب موثر در فقه حقوق^۱

اسماعیل کشاورز صفی نی *

علمی - پژوهشی

چکیده

مطالعه نظام‌های حقوقی مختلف در ابتدا تحت تاثیر اندیشه‌های فلسفی، سبب موثر را بر پایه ملاک سلبی اگر نبود مورد شناسایی قرار می‌دادند. تمرکز سببیت فلسفی بر مولفه‌های ذهنی و فاصله آن از حقایق عینی حادثه، موجب رویگردانی حقوقدانان از سببیت فلسفی و تمایل به رویکردی شد که بر پایه قضاوت عرفی نسبت به علل وقوع حوادث و تجربه عادی زندگی استوار است. رویکرد سببیت عرفی نیز به دلیل فقدان ضابطه دقیق و ناتوانی در شناسایی سبب موثر در حوادث مستلزم دانش فنی و تخصصی و اتکا به عنصر روانی قابل پیش بینی بودن ضرر، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. در این میان رویکرد سببیت نوعی مناسبتر از دو رویکرد قبلی است. چرا که بجای توجه به مولفه‌های روانی و ارزیابی ذهنی تاثیر نبود هر عامل در بروز حادثه، بر ارزیابی فنی داده‌ها و واقعیت‌های عینی حادثه متکی است و قابلیت نوعی عوامل و تاثیر برهم کنش آنها با یکدیگر را در بروز حادثه مورد بررسی قرار می‌دهد. ملاک احراز این قابلیت نیز وجود تجربیات مشابه حادثه متنازع فیه و تکرار نتایج یکسان در حوادث مشابه است که موجب شکلگیری نوعی درجه احتمال غالب می‌شود که میتوان بدان اتکا نمود.

کلید واژه‌ها:

ملاک سلبی، سببیت عرفی، سببیت نوعی، موثر

۱- تاریخ وصول: (۱۴۰۰/۱۱/۰۴) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۸/۰۹)

* استادیار گروه حقوق، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

رابطه سببیت نوعی رابطه انتسابی است. یعنی نسبت دادن تحقق امری به امر دیگر. مسئله انتساب یا نسبت دادن، واجد عناصر صرفاً عینی یا مادی و خارجی نیست. به عبارت دیگر بر خلاف خود علت و معلول که چه در حوادث طبیعی و چه در حوادث انسانی دربردارنده عناصر مادی، محسوس و عینی هستند (بخ زدن آب در اثر رسیدن دمای آب به صفر درجه یا ایجاد صدمه بدنی و مالی در اثر سانحه رانندگی و برخورد دو اتومبیل با یکدیگر)، مسئله انتساب یا نسبت دادن وقوع یا وجود امری (معلول) به تحقق امر دیگر (علت) فی الواقع متضمن نوعی داوری در خصوص چرایی وقوع یا وجود معلول و چگونگی تحقق و عامل به وجود آمدن آن می باشد. بر همین اساس مسئله احراز رابطه سببیت در حوادث انسانی امر به غایت دشوار می نماید. در این میان مهمترین و در عین حال پیچیده ترین مساله، ملاک شناسایی رابطه سببیت بین فعل انسان و ضرر وارده است. چراکه احراز این رابطه متضمن شناسایی نحوه تاثیر گذاری علت یا سبب در تحقق معلول (خسارت) است. اینکه خسارت در اثر فعل زیانبار (سبب) رخ داده است. بطور کلی تاثیر گذاری هر عاملی در تحقق معلول می تواند هم به نحو وجودی یا ایجابی باشد هم به نحو سلبی یا عدمی. به عبارت دیگر سبب، تاثیر وجودی-عدمی در تحقق خسارت دارد. مفاهیمی که کاملاً از درونمایه ای فلسفی برخوردار است. از طرف دیگر مبتلابه و عینی بودن حوادث زیانبار در جریان عادی زندگی مردم، موجب گردیده است که نظام های حقوقی از رویکردهای ذهنی و فلسفی فاصله گرفته و به معیارهای عرفی روی بیاورند. امری که خود در مواجهه با حوادث پیچیده و فنی خالی از اشکال نیست. بر همین اساس یکی از نقاط ضعف نظام های حقوقی این است که ملاک روشن و دقیقی برای شناسایی موثر بودن سبب ندارند و هیچیک از رهیافت های فلسفی و عرفی نتوانسته است پاسخگوی انواع متنوع حوادث و پیچیدگی های آن باشد. بر همین اساس یکی از ضرورت های تحقیق در نظام های حقوقی شناسایی ملاک و معیار مناسب جهت احراز موثر بودن است. این مقاله در مقام طرح اندازی رویکرد جدیدی در خصوص ملاک موثر بودن سبب می باشد. مسائل مورد توجه در پیشینه آثار و پژوهش های حقوقی در باب رابطه سببیت، تا کنون مسئله اجتماع اسباب و ارائه نظریه های مرتبط با آن نظیر

نظریه برابری یا سبب نزدیک یا مقدم و... بوده است. و این در حالی است که شرط موثر بودن سبب به عنوان یکی از شرایط احراز رابطه سببیت و ملاک شناسایی آن، کمتر مورد توجه حقوق دانان و پژوهش‌گران قرار می‌گیرد. در این مقاله مصمم هستیم تا ضمن بررسی بی سابقه (فلسفی و حقوقی) و تطبیقی چهار نظام حقوقی (رومی، کامن لا، فقه و حقوق ایران) در زمینه رویکردهای حاکم بر شرط موثر بودن سبب، به ارائه راهکاری جدید در این خصوص بپردازیم

نکته چهارم: فونت تمام عناوین باید ۱۳ b mitra پررنگ باشد. عناوین باید شماره بندی شود. و اگر عنوانی زیر مجموعه داشت به شکل زیر باید نوشت. به عنوان نمونه:

۲-: ملاک احراز سبب موثر در نظامهای حقوقی:

۱-۲-: سبب موثر در حقوق رومی ژرمنی:

در حقوق رومی شناسایی سبب موثر بر پایه مفهوم شرط ضروری استوار است. با تکیه بر اصطلاح شرط ضروری^۱، سبب عاملی است که اگر نبود خسارت به بار نمی‌آمد (Mazeaud-Henri, ۱۹۸۳, P. ۵۱۶-۵۱۹, Léon et Jean, ۱۹۹۸, p. ۳۴/ Honore, A.M., ۱۹۸۳, P. ۵۱۶-۵۱۹). به عبارت دیگر در حقوق رومی عاملی سبب موثر محسوب می‌شود که فقدان آن عامل، ضرورتاً فقدان خسارت را به دنبال دارد. در رویه قضایی فرانسه نیز می‌توان بوضوح به نشانه‌های این تعریف برخورد. مطابق «رای دادگاه پاریس در ۱۹۸۹: تقصیری که اگر نبود زیان به بار نمی‌آمد، باید تقصیر مسبب زیان محسوب شود» (ژوردن، ۱۳۹۴، ۹۱) «ویژگیهای رابطه سببیت در حقوق رومی را می‌توان در دو خصیصه خلاصه نمود: ویژگی اول این است که در حقوق رومی رابطه سببیت اصولاً بین ضرر و تقصیر زیان زنده مد نظر است» (Tunc, ۱۹۸۳, p. ۷). مگر در حالتی که مسئولیت بدون تقصیر حاکم باشد که در این صورت بنا بر نظریه خطر رابطه سببیت بین ضرر و ریسک اجتماعی^۲ که بر عهده فرد بوده است (مثل ریسک کارفرما یا ریسک مالک وسیله نقلیه یا مالک حیوان و ساختمان و اشیاء خطرناک) ملاک عمل خواهد بود (Tunc, ۱۹۸۳, p. ۵-۷): ویژگی دوم این است که در حقوق رومی بین رابطه سببیت و قابلیت انتساب تفاوت وجود دارد. منظور از رابطه سببیت، این است که خسارت ناشی از تقصیر خواننده باشد در حالی که منظور از قابلیت انتساب این است که ضرر منتسب به فعل یا ترک فعل خواننده باشد (Tunc, ۱۹۸۳, p. ۲-۴). این تمایز مسئله مباحث مربوط به ایراد خسارت از ناحیه کودکان و مجانین را به میان می‌آورد که در آن علی رغم قابلیت

۱- Necessary Condition

۲- Social Risk

انتساب ضرر به فعل کودک یا مجنون، به دلیل عدم رابطه سببیت بین ضرر و تقصیر آنها، مسئولیت جبران خسارت بر عهده آنها نبود چرا که مجبورین فاقد تقصیر شمرده می شدند. امروزه در پی تحولات اخیر رخ داده در حقوق فرانسه، شرط قابلیت انتساب از شرایط مسئولیت مدنی در حال حذف شدن است. در خصوص افراد دارای اختلال روانی به موجب اصلاحیه سال ۱۹۶۸ و درج ماده ۲-۴۸۹ در قانون مدنی، کسی که تحت تاثیر اختلال روانی به موجب اصلاحیه سال آورد، مثل دیگر عاملان خسارت، مسئول جبران خسارت است (ژوردن، ۱۳۹۴، ۱۰۴). در مورد کودکان، با وجود تمایل رویه قضایی فرانسه به پذیرش مسئولیت کودکان (ژوردن، ۱۳۹۴، ۱۰۷)، در ماده ۱۲۴۲ قانون مدنی ۲۰۱۶ فرانسه، کودکان کماکان فاقد مسئولیت شمرده می شوند و والدین مسئول جبران خسارت آنها محسوب می شوند.

۲-۲- ملاک شناسایی سبب موثر در کامن لا:

در کامن لا مفهوم سبب متاثر از تعریف هیوم از مفهوم علت است. از نظرگاه هیوم در یک رابطه علیت سه نوع نسبت میان اشیا وجود دارد: ۱- هم پهلویی: میان الف به عنوان علت و ب به عنوان معلول همیشه نوعی هم پهلویی برقرار است حتی اگر الف با زنجیره‌ای از علت‌ها و به صورت با واسطه به ب برخورد کند (کاپلستون، ۱۳۸۲، ج ۵، ۲۹۶-قربانی، ۱۳۸۶، ۱۷۲). ۲- دومین نسبت: تقدم زمانی است. علت باید از حیث زمانی مقدم بر معلول باشد حتی اگر معلولی کاملاً با علتش همزمان باشد این حالت در همه موارد علیت حقیقی رخ خواهد داد و اگر چنین باشد دیگر توالی در کار نخواهد بود و همه اشیا ناچار همبودند (Hume, ۱۹۵۱, p. ۷۵). نسبت سوم که مهمترین نسبت در رابطه علیت است وجود یک رابطه ضروری بین دو شی موضوع علت و معلول است. زیرا چه بسا شیء با شیء دیگر هم پهلوی و متقدم بر آن باشد اما علت آن محسوب نشود. بر همین اساس بر پایه تجربه علت را چنین تعریف می کنیم: شیء که در پی آن شیء دیگر می آید هر گاه که در پی همه اشیا مانند شیء اول، اشیا مانند شیء دوم می آید یا به تعبیر دیگر هرگاه اگر شیء اول نبود شیء دوم هرگز وجود نمی داشت (Hume, ۱۹۵۱, p. ۷۶).

نظام کامن لا متاثر از تعریف هیوم از مفهوم علت بر پایه معیار «اگر نبود» است. در این نظام حقوقی، سبب عاملی تلقی می شود که اگر نبود خسارت واقع نمی شد. به منظور شناسایی سبب موثر از غیر موثر و غیر مرتبط از استاندارد مشهور اگر نبود^۱ استفاده می شود (Hedley, 2008: p. ۲۸۴). به گونه ای که هر یک از عوامل در صورتی که نبودشان موجب عدم تحقق خسارت شود، سبب موثر تلقی می شوند و اگر با نبودشان بازهم حادثه و خسارت به وقوع می پیوست، عامل

غیر موثر و غیر مرتبط محسوب خواهند شد (Cooke, ۲۰۱۱, p. ۱۶۷). در خطاهای مبتنی بر بی احتیاطی^۱، احراز رابطه سببیت و شناسایی سبب موثر منوط به عبور از دو مرحله است که از آن تحت عناوین سبب حقیقی یا عینی و سبب حقوقی^۲ یاد می‌شود. در مرحله سبب حقیقی یا عینی با تکیه بر آزمایش اگر نبود به بررسی و تمایز اسباب موثر از غیر موثر پرداخته می‌شود و اسباب غیر موثر از فهرست اسباب خارج می‌شوند (Cooke, ۲۰۱۱, p. ۱۶۷-۱۶۹ / Hedley, ۲۰۰۸, p. ۲۸۴). در مرحله بعدی با تکیه بر سبب حقوقی، از میان اسباب حقیقی موثر در حادثه، عاملی که به لحاظ حقوقی مرتکب عمل ممنوع^۳ گردیده است، مسئولیت جبران خسارت متوجه اوست (Levitt, ۱۹۲۲, p. ۴۱). در این مرحله مسئله بعید بودن یا دور بودن^۴ خسارت مطرح می‌شود. اینکه عوامل نزدیک یا دوری^۵ ممکن است در حادثه مداخله داشته باشند و اینکه خسارت ممکن است بعید یا دور از انتظار و پیش بینی فاعل آن بوده باشد و یا خارج از هرگونه تقصیر یا بی احتیاطی یا عمل مجاز وی رخ داده باشد (Hedley, ۲۰۰۸, p. ۲۹۰-۲۹۱). در مرحله سبب حقوقی نیز تا سال ۱۹۶۱ از آزمون اثر مستقیم^۶ استفاده می‌شد. مطابق این آزمون که در دعوی ۵۶۰ KB [۱۹۲۱] ۳ Re Polemis and Furness, Withy & Co Ltd مطرح شد، خسارت می‌بایست اثر یا نتیجه مستقیم نقض تعهد به مراقبت خوانده باشد در این صورت خسارت مزبور به علت قابل پیش بینی بودن و بعید نبودن موجب مسئولیت خواهد بود. در این دعوا اجاره کننده کشتی، آنرا با بنزین بارگیری کرده بودند. بنزین در کشتی نشست کرد و موجب شد انبار کشتی پر از بخار شود. یکی از باربران کشتی با بی احتیاطی یک تخته چوب را داخل بنزین بخار شده انداخت و در اثر آن جرقه ای رخداد و موجب آتش گرفتن بنزین و در نهایت انفجار درون کشتی و خسارت گردید (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۳۰۲). دادگاه تجدیدنظر بر مبنای مسئولیت نیابتی، کارفرمای باربر را مسئول جبران خسارت وارده ناشی از بی احتیاطی باربر به کشتی دانست. مبنای استدلال دادگاه این بود که خسارت وارده به کشتی، پیامد و نتیجه مستقیم نقض تعهد به مراقبت بود (Cooke, ۲۰۱۱, p. ۱۸۹). از نقطه نظر این دادگاه خسارت غیر مستقیم خسارت وارده از سوی چند فعل مستقل از یکدیگر است که ارتباطی با عمل بی احتیاطانه ندارد بجز عملی که نتوانسته باشد از نتایج عمل خود اجتناب کند. اما از سال ۱۹۶۱ به بعد آزمون پیش بینی

۱- Negligence Torts^۱

۲- Cause in Fact/ Cause in Law^۲

۳- Forbidden Act^۳

۴- Remoteness^۴

۵- Direct/Indirect

۶- The Direct Consequence Test

پذیری معقول^۱ جایگزین آزمون اول شد. مطابق این آزمون که در دعوی مشهور *Wagon Mound No* مطرح گردید، می‌بایست بررسی شود که آیا نوع خسارت^۲ وارده به زیان دیده به نحو معقولی از سوی زیان‌زننده قابل پیش بینی بوده است یا خیر (Cooke, ۲۰۱۱, p. ۱۸۹). در این دعوا خواننده به نحو بی احتیاطانه‌ای، گازوئیل را در بندرگاه تخلیه نموده بود. مواد گازوئیل به سمت بارانداز خواهان پیش رفت. خواهان مطمئن بود که هیچ خطری از اشتعال گازوئیل در روی آب و بارنداز آن وجود ندارد دو روز بعد در اثر انداختن آتش سیگار در آب گازوئیل آتش گرفت و بارانداز و کشتی‌های آن در اثر آتش سوزی دچار خسارت شدند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۳۰۲). دادگاه بدوی و تجدیدنظر بر این باور بودند که در زمان نقض تعهد به مراقبت (تخلیه کردن گازوئیل در بندر) به دلیل غیر محتمل بودن آتش سوزی مواد نفتی روی آب، وقوع خسارت به بارانداز و کشتی‌ها از سوی خواننده به نحو معقولی قابل پیش بینی نبود بلکه تنها خسارتی که به نحو معقولی قابل پیش بینی بود، خسارت وارده به خود گازوئیل بود که با تخلیه شدن در آب دچار خسارت گردید (Cooke, ۲۰۱۱, p. ۱۸۹ - ۱۹۰). مسئله سببیت حقوقی و بعید بودن یا نزدیک بودن خسارت، در خطاهای مبتنی بر بی احتیاطی مطرح می‌شود. به گونه‌ای که مسئولیت صرفاً متوجه پیامدهای قابل پیش بینی یا نزدیک نقض تعهد به مراقبت (بی احتیاطی) است. در خطاهای عمدی^۳، مسئله بعید بودن مطرح نیست بلکه کافی است خواهان ثابت کند بر مبنای آزمون اگر نبود، بین رفتار خواننده و خسارت او رابطه سببیت برقرار است (Hedley, ۲۰۰۸, p. ۲۹۱). در دعوی *Doyle v Olby (Ironmongers) [۱۹۶۹] ۲ QB ۱۵۸* خواهان در اثر ارائه اطلاعات نادرست فریب آمیز خواننده در خصوص صورتحسابهای خود موجب سرمایه گذاری ضرر آفرین شده بود. دادگاه نیز بر همین اساس به جهت ارتکاب خطای عمدی فریب^۴ خواننده، وی را مسئول جبران خسارت خواهان برشمرد (Cooke, ۲۰۱۱, p. ۱۹۷ / Hedley, ۲۰۰۸, p. ۲۹۱). در خطاهای مبتنی بر مسئولیت‌های محض^۵ نظر قاطعی وجود ندارد هرچند تمایل بیشتر بر این است که به مانند خطاهای عمدی به دلیل فقدان مسئله بی احتیاطی و تعهد به مراقبت، دفاع بعید بودن خسارت از سوی خواننده قابل استماع نیست (Hedley, ۲۰۰۸, p. ۲۹۱). سببیت مبتنی بر معیار اگر نبود از سوی حقوقدانان معاصر کامن لا مورد نقد قرار گرفته و نظریات نوینی به عنوان جایگزین مطرح گردیده است. نظیر نظریه هارت و هانوره که بر مبنای آن انتساب رابطه

۱-Reasonable foreseeability test

۲-Kind of Damage

۳- Intentional Torts

۴-Deceit

۵-Strict Liability Torts

سببیت امری واقعی و نه هنجاری و می‌بایست بجای تحلیل‌های حقوقی، فلسفی یا حتی علمی در خصوص رابطه سببیت میبایست به برداشتهای افراد معمولی و عرف عام مراجعه کرد که سببیت را بر پایه هر گونه انحراف و خروج از جریان عادی و طبیعی امور تفسیر می‌کند (Hart ۲۶، p. ۱۹۹۰, &Honore). یا نظریه پری که در راستای شناسایی مسئول جبران خسارت، بر عواملی چون قابلیت پیش بینی و اجتناب پذیری تأکید می‌ورزد بدین ترتیب که مسئولیت انسان نسبت به پیامدهای رفتار خود منوط به قابل پیش بینی بودن آن پیامدها و امکان اجتناب از آنهاست (Colman, ۲۰۰۱، p. ۱۹۹). رویکردی که به میانی مسئولیت مبتنی تقصیر (سرزنش پذیری رفتار فرد به دلیل قابلیت پیش بینی رفتار توسط فاعل آن) در حقوق رومی نزدیک است. ویژگی قابل پیش بینی بودن در حقوق رومی نیز به عنوان یکی از عناصر تقصیر محسوب می‌شود. بطور خلاصه تمایل اخیر حقوقدانان کامن لا در باب شناسایی رابطه سببیت غالباً مبتنی بر فاصله گیری از خاستگاه‌های نظری-فلسفی-حقوقی رابطه سببیت و گرایش به سمت مولفه‌های عملی-عرفی است.

۳-۲-: شناسایی سبب موثر در نظام فقهی:

۱-۳-۲- : مفهوم سبب موثر در نظام فقهی:

مطالعه تعریف سبب در نظام فقهی حاکی از این مطلب است که فقها در شناسایی سبب موثر کاملاً دنباله رو تعریف فیلسوفان از مفهوم علت بوده‌اند و سببیت فلسفی کاملاً مورد توجه نظام فقهی بوده است. توجه به رابطه علیت پس از ارسطو نه تنها در سنت فلسفه غرب استمرار یافت بلکه در حوزه فلسفه اسلامی نیز یکی از محوری‌ترین و در عین حال چالش برانگیزترین موضوعات بود. این توجه تا آثار استاد مطهری در قرن حاضر نیز تداوم داشته است. رویکرد فیلسوفان مسلمان ترکیبی از نگرش خردگرای ارسطویی و اندیشه اسلامی است. از دیدگاه ابن سینا و مکتب مشائی، علیت یک رابطه حقیقی میان دو شیء است و یک رابطه خارجی یا تصور ذهنی صرف نیست. علت عبارت است از آنچه وجود شیء معلول متوقف بر اوست لذا علیت یک رابطه هستی بخش و واقعیت دهنده است (قربانی، ۱۳۸۶، ۱۸۷). منتها مجرای علیت موجودات، ماهیت آنهاست نه وجود آنها. به عبارت دیگر معلول به دلیل ماهیت ناقص و محدود خود نیازمند علت است (ابن سینا، ۱۳۸۳، ۸۱-۸۵). از دیدگاه ملاصدرا علت موجودی است که از وجود او وجود دیگری حاصل می‌شود و با انعدام او منعدم می‌گردد. پس علت چیزی است که به سبب وجود او وجود دیگری واجب و با عدم او و یا عدم جزئی از اجزا و یا شرطی از شروط ممتنع می‌گردد (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ص ۱۱۳). از دیدگاه ملاصدرا وجود هر معلولی از لوازم وجود علت و در

حقیقت یک افاضه از علت می‌باشد و معلول تا زمانی که تمام شرایط هستی یا وجودش از طرف علت فراهم نگردد هستی او واجب نمی‌شود (ملاصدرا، ۱۳۷۸، ۲۵۱). در تعریف ملاصدرا از علت، منظور علت تامه است که تمام شرایط هستی و وجود معلول را فراهم می‌سازد لذا با تحقق علت تامه، تحقق معلول، ضروری و حتمی یا واجب می‌شود. به این ویژگی ضرورت علی اطلاق می‌شود (قربانی، ۱۳۸۶، ۱۸۵ / ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۲، ۶۴۲) همانطور که ملاحظه می‌شود تعریف ملاصدرا از مفهوم علت شباهت قابل توجهی با تعریف هیوم از علت دارد. چرا که هر دو بر شرط ضروری بودن تاثیر علت بر تحقق معلول و رابطه وجودی-عدمی بین علت و معلول اتفاق نظر دارند. هرچند از نقطه نظرات دیگر تعریف علت و منشا رابطه علت و کیفیات آن تفاوت‌های بسیاری میان این دو فیلسوف برقرار است (متقی فر، ۱۳۹۴، ۳۱-۳۴).

فقه‌های اصولی متأثر از فیلسوفان اسلامی نظیر ملاصدرا، سبب یا علت را به دو حالت طبقه بندی کرده اند: ۱- سبب یا علت تامه که هم به نحو ایجابی وجودش، وجود معلول را ضرورتاً در پی دارد و هم عدمش، ضرورتاً عدم معلول را. ۲- سبب یا علت ناقصه: حالتی که سبب جزئی از اجزاء علت تامه باشد. به گونه ای که وجودش به تنهایی وجود معلول را در پی ندارد اما عدمش ضرورتاً عدم معلول را به دنبال خواهد داشت (مقدم، ۱۳۹۹، ۲۲۵). فی المثل شهید الثانی در کتاب القواعد و الفوائد در تعریف سبب می‌گوید: «سبب اصطلاحاً عبارت از وصف ظاهر و قاعده مندی است که بر اساس آن دلیل شرعی معرف اثبات حکم شرعی است به گونه ای که از وجود آن، وجود حکم و از فقدان آن، عدم حکم لازم آید» (شهید اول، بیتا، ۳۹). در آثار فقه‌های غیر اصولی، مفهوم سبب کاملاً متمایز از مفهوم علت (تامه) تعریف شده و به مفهوم شرط (علت ناقصه) نزدیکتر است. نزد این دسته از فقها شاهد طبقه بندی مشهوری موسوم به مباشرت/تسبیب هستیم که با موشکافی دقیق و با توجه به تمایز میان علت و سبب در تمامی تعاریفی که خواهد آمد، می‌توان عناوین مذکور را به ترتیب معادل با طبقه بندی علت (تامه) / سبب نزد فلاسفه اسلامی و یا سبب/شرط نزد فقه‌های اصولی دانست. برای مثال علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام در تعریف سبب می‌گوید: «سبب چیزی است که تاثیر در نتیجه همانند علت ندارد ولی از جهتی به شرط شبیه است» (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ۵۹۱؛ غلامی، ۱۳۹۵، ۵۱). محقق حلی نیز سبب (تسبیب) را ایجاد چیزی می‌داند که با وجود آن ضرر حاصل می‌شود اما علت وقوع آن چیز دیگری است مشروط به اینکه سبب از اموری باشد که انتظار علت تلف با آن وجود داشته باشد به اینکه همراه بودن علت با سبب فراوان باشد. (حکمت نیا-۱۳۸۶: ص ۲۰۳ و غلامی، منبع پیشین: ص ۵۱) از نقطه نظر محقق حلی و همچنین شهید ثانی علت از سبب متمایز است. علت، عامل مستقیم یا مباشر وقوع حادثه است و سبب عاملی است که اگر نبود تلف واقع نمی‌شد اما علت تلف عامل دیگری

است (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ۲۳۱، ۲۳۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۲۶، ۳۵۹). از نظر صاحب جواهر مباشرت به معنای صدق انتساب ضرر به شخص ولو با ایجاد علت آن است و تسبیب عاملی است که اگر نبود، تلف حاصل نمی شد لکن علت تلف عاملی دیگر است (نجفی-۱۴۳۲ ق، ۴۳، ۹۵). در تعاریف مذکور به وضوح پیداست که صاحب جواهر نیز به مانند محقق حلی و شهید ثانی بین سبب و علت تمایز قائل شده و مباشرت را معادل با مفهوم علت (تامه) و تسبیب (سبب) را همسنگ با مفهوم شرط نزد فقهای اصولی می داند. میر فتح مراغه ای در کتاب العناوین با رویگردانی از سببیت فلسفی و معیا اگر نبود، بر این باور است که مباشرت، ایجاد علت تلف است نظیر قتل، خوردن و آتش زدن و تسبیب ایجاد زمینه ای است که در آن تلف حاصل می شود اما علت تلف عامل دیگر است. نظیر حفر چاه یا باز کردن در ظرف و فاسد شدن محتویات آن (مراغه ای، ۱۴۱۷ق، ۴۳۵) شهید اول نیز در کتاب الدروس بر آن است که: سبب، فعل ملزوم علت است. منظور از ملزوم علت، امری است که علت بدون آن تاثیر ندارد (حکمت نیا، ۱۳۸۶، ۲۰۳). از نظر امام خمینی نیز مباشرت قابلیت انتساب یا نسبت دادن تلف به فعل صادره از سوی شخص است اعم از اینکه فعل مذکور با اعضای بدن و بدون ابزار (آلت) رخ داده باشد یا با ابزار (آلت) و یا تلف عرفا منسوب به فعل شخص باشد نظیر انداختن کسی در آتش. در مقابل تسبیب (سبب) عاملی است که تلف به آن منتسب می شود به گونه ای که اگر نبود تلف حاصل نمی شد هرچند علت تلف عامل دیگری است (امام خمینی، ۱۳۶۸ش، ۵۳۶، ۵۳۲). در مجموع می توان گفت نزد فقهای غیر اصولی در حالت مباشرت ما با عاملی مستقیم و کامل مواجهیم که در آن تلف (معلول) را می توان منتسب به آن فعل (علت) دانست بدون اینکه عامل دیگری مطرح و موثر باشد. به گونه ای که می توان مباشرت را علت (تامه) ایجاد تلف و مسئول آن تلقی نمود. در مقابل در تسبیب با وجودی که علت (مستقیم) یا عامل ایجاد تلف، عوامل دیگری (نظیر صغیر، مجنون، حیوان، خود زیان دیده و...) هستند، اما به دلیل فراهم نمودن موثر زمینه و ملزومات ایجاد تلف توسط عامل دورتر، تلف (معلول) را از لحاظ سببیت و مسئولیت (ضمان) به عامل دورتری نسبت می دهیم چرا که اگر نبود، تلف رخ نمی داد. در واقع سبب مسئول حادثه، عاملی است که وجودش ضرورتا وجود تلف را در پی ندارد اما عدمش (اگر نبود)، ضرورتا عدم معلول (تلف) را در پی خواهد داشت. نکته ای که با تعریف علت ناقصه در فلسفه و شرط در تعریف فقهای اصولی همخوانی دارد. این ویژگی حاکی از گرایش فقهای غیر اصولی به مفهوم سبب موثر در قالب سببیت فلسفی (معیار اگر نبود) است. برخی فقها نیز در مقام شناسایی سبب مسئول، قائل بر این هستند که چنانچه بین سبب و معلول (خسارت) اراده فاعل مختار واسطه شود و بین سبب و معلول فاصله بیندازد، سببیت بین سبب و معلول منتفی می شود و در این رابطه بین فاعل مختار و معلول برقرار می گردد. فی المثل به عقیده سید محمد باقر صدر در صورت حفر چاه و افتادن فرد درون آن، چنانچه اراده ای در میان نباشد (مثال فردی

که افتاده و متوجه چاه نشده باشد) یا اراده موجود در حکم عدم باشد (مثل چهارپایی که برای تلف محصول مزرعه ای هدایت می‌شود یا کودکی برای اتلاف مالی فرستاده شود)، مسئولیت متوجه سبب است اما اگر یک اراده با واسطه (فاعل مختار) بین آنها قرار گیرد، اتلاف به سبب نسبت داده نمی‌شود (صدر، ۱۴۰۸، ق. ۳۲۷). فی المثل چنانچه چوپان در اثر تقصیر، حیوانات گله را به حال خود رها کند و فردی دیگر آنها را به سمت محصولات مزرعه فرد ثالثی هدایت کند، در اینجا تلف به سبب (کوتاهی چوپان) منتسب نمی‌شود. با توجه دقیق به نظر فقهای که بین علت یا فاعل مختار و سبب تفکیک قائل نشده اند، می‌توان به وضوح پی برد که این دسته از فقها بنا بر تفکیک و تمایز مرسوم میان مباشر و سبب، مباشر را همان علت یا فاعل مختار تلقی کرد و سبب را در معنای تسبیب (عامل با واسطه و غیر مستقیم) تعبیر کرده اند (حکمت نیا، ۱۳۸۸، ص: ۲۰۴).

بدین ترتیب به طور خلاصه می‌توان گفت در میان فلاسفه و فقهای اصولی و غیر اصولی سه نوع تعبیر و طبقه بندی از مفهوم علت و سبب برقرار است: ۱- طبقه بندی علت به علت تامه و ناقصه نزد فلاسفه اسلامی نظیر ابن سینا، شیخ اشراق و ملا صدرا. ۲- طبقه بندی سبب و شرط در میان فقهای اصولی که به ترتیب هم سنگ علت تامه و ناقصه نزد فلاسفه اسلامی است. ۳- طبقه بندی مباشر یا فاعل مختار و سبب نزد فقهای غیر اصولی (به گونه ای که مباشر همان علت تامه فلاسفه و سبب نزد اصولیین است و سبب همان علت ناقصه فلاسفه و شرط نزد فقهای اصولی است. هرچند که به نظر می‌رسد مباشر به تنهایی را نمی‌توان علت تامه یک حادثه قلمداد نمود بلکه در کنار آن اسباب غیر مستقیم هم جزئی از علت تامه محسوب می‌شوند مع الوصف، معلول در مقام شناسایی ضمان و جبران خسارت در فرض وجود علت مستقیم (مباشر) اصولاً به وی منتسب می‌شود.

با این وجود علی‌رغم تاثیر پذیری فقها از نقطه نظرات فلسفی در باب رابطه سببیت، مطالعه دقیق آثار فقهای غیر اصولی حاکی از این است که این دسته از فقها به دنبال طرح طبقه بندی رابطه سببیت به دو قسم اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب، با ارائه نمونه‌ها و موقعیت‌هایی که بطور متعارف و متداول در روابط و جریان عادی زندگی مردم رخ می‌دهد، از نقطه نظرات فلسفی فاصله گرفته و گرایش خود را به نوعی رویکرد عملی-عرفی در جهت شناسایی رابطه سببیت و نحوه تاثیرگذاری آن بر وقوع خسارت نشان می‌دهند. نظیر: هجوم حیوان دارای صاحب به حیوان شخص دیگر، ریزش یا سقوط دیوار در فرض تمکن یا عدم تمکن صاحب آن در اصلاح آن قبل از ریزش، حفر گودال در ملک دیگری یا مکان عمومی، روشن کردن آتش در ملک مجاز یا غیرمجاز، سقوط ظرف یا هر شیئی که روی دیوار یا مکان مباح یا غیرمباح قرار داده شده است، ارباب یا ترساندن دیگری، پرت کردن خود از جای مرتفع روی دیگری، احداث کننده

میزآب(قنات) در راه عمومی یا ملک خود یا مکان غیرمباح، کسی که در ملک خود آتش یا آبی هدایت کند، وارد کردن جراحت و ترک مداوای آن و مردن فرد مجروح(شهید ثانی-۱۴۱۳ه.ق، ۳۷۸-۳۳۲نجفی-۱۴۱۳ه.ق، ج ۴۳، ۱۰۶-۱۳۵، ، ۵۷-۶۹ و ج ۴۲: ۳۵، ۲۷). در تمامی مثالها فوق الذکر، شاهد موقعیتی متداول و متعارف در جریان زندگی عادی و روزانه مردم هستیم که فقها با تمسک به آنها به شرح انواع رابطه سببیت(مباشرت، تسبیب و اجتماع اسباب) پرداخته اند و در اثر ارتکاب این افعال برای زیان دیده تولید خسارت می شود. در همه این موقعیت‌های رفتاری، فقها بر پایه نوعی رویکرد عرفی-عملی، بر پایه قابلیت انتساب عرفی ضرر به فعل زیانبار، مبادرت به شناسایی سبب یا اسباب موثر در حادثه می نمایند. به عبارت دیگر جهت احراز موثر بودن سبب(قابلیت انتساب ضرر به فعل زیانبار) کاملاً متکی بر رویکرد سببیت عرفی هستند به نحوی که داوری عرف را در شناسایی عامل یا سبب موثر در حادثه، مورد رسمیت قرار داده و از کنکاش در بررسی موثر بودن یا نبودن عامل در وقوع خسارت اجتناب ورزیده اند(بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ۳۸-۳۹) برای مثال صاحب عنوان پس از شرح طبقه بندی اتلاف و تسبیب براین باور است که مهم نیست که متلف مباشر باشد یا سبب چراکه منشا ضمان، صدق اتلاف است که شامل حال هر دو حالت می شود و معیار شناسایی صدق اتلاف نیز امری عرفی است و ملاک صدق عرفی اتلاف است اعم از اینکه این صدق در فرض وجود مباشر بدون سبب باشد یا وجود سبب بدون مباشر یا اجتماع هر دو باشد(مراغه ای-۱۴۱۷ق، ۴۳۵)

۲-۳-۲:- تفکیک سبب از مفاهیم مشابه بر مبنای نحوه تاثیر گذاری:

در علم اصول تقسیم بندی قابل توجهی بین مفاهیم سبب، شرط، مقتضی، عدم مانع، معد و تمایز میان آنها به چشم می خورد که بنا به اهمیت قضیه و تاثیر بسیار زیاد آن در تحکیم و تسبیب رابطه سببیت در حقوق به آن می پردازیم. **مقتضی** به اضافه کننده وجود معلول در صورت وجود شرط و عدم مانع اطلاق می شود. از نظرگاه علامه نائینی «مقتضی امری که در صورت وجود شرط و عدم مانع، وجود معلول را اضافه می کند. به این معنا که گاهی پیدایش معلول از علت، بر وجود حالت و کیفیت خاصی(وجود شرط و عدم مانع) متوقف است در اینصورت ذات علت را مقتضی می گویند(نائینی، ۱۳۷۶ ه.ش، ۲۷۴). علمای اصولی **سبب** را چنین تعریف کرده اند: سبب چیزی است که وجود مسبب از اوست و بر آن توقف دارد یا سبب چیزی است که از وجودش وجود معلول لازم آید(سبحان تبریزی ۱۴۲۴ق: ۴۳۸؛ میزان قمی، ۱۴۳۰: ۲۲۸). فقها سبب را در این معنا مترادف با علت تامه در فلسفه گرفته اند(شهرکانی، ۱۴۳۰، ۲۲۸). در تعریف **شرط** آمده است: شرط چیزی است که از عدمش، عدم مشروط لازم آید اما از وجودش وجود معلول لازم نمی

آید (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ه.ق، ۴۳۹). یا تعریف شیخ انصاری: شرط چیزی است که عدم مشروط از عدم آن لازم می آید (انصاری - ۱۲۸۳:ص ۴۳۹). از عناصر تعریف بر می آید که شرط در تعریف علمای اصولی مترادف با معنای علت ناقصه در تعریف فلاسفه است. چرا که در شرط نیز عدم مشروط از عدم مشروط را به دنبال دارد. برخی فقها نیز در تمایز بین سبب و شرط آورده اند که: «دخالت سبب در مسبب به نحو تاثیرگذاری است به خلاف شرط و عدم مانع که دخالت آنها در مشروط ممنوع به نحو افاضه و قابلیت است. حاصل آنکه سبب، آتش را ایجاد می کند ولی شرط و عدم مانع قابلیت را در چوب تحقق می بخشند» (عراقی، ۱۳۶۳ش:، ۱۹۶؛ مقدم، ۱۳۹۹، ۲۴۲) بنابراین نظر فقها، **معد** در برابر علت حقیقی قرار می گیرد. «معد یا زمینه ساز، امری است که اگر چه زمینه پیدایش معلول را فراهم می آورد اما علت ایجاد کننده و هستی بخش به معلول نیست و وجود معلول وابستگی حقیقی به معد ندارد». **مانع**، امری است که از تحقق کامل اجزای سبب کامل شدن علت تامه ممانعت به عمل آورده و آنرا به علت ناقصه تنزل دهد و بر همین اساس به دلیل فقدان علت تامه، مانع تحقق معلول می شود. در واقع مانع یک امر وجودی جداگانه با اثر و معلول مخصوص به خود است که ارتباطی با معلول مفروض ندارد اما با توجه به تراحم و محدودیت علل مادی، وجود مانع در عالم خارج با فقدان برخی از اجزاء و شرایط علت تامه مقارن شده است به گونه ای که مسیروالدالات علت را تغییر داده و با اثرگذاری خود، مانع تحقق علت تامه گردیده و به تبع آن معلول را نیز منتفی نموده است (ملاصدرا، ۱۹۸۱م، ۳۴۹ و مقدم، ۱۳۹۹: ۲۴۰). برای مثال بارش باران را می توان مانع سرایت نهایی آتش شعله ور شده در اثر انداختن ته سیگار به جنگل یا اراضی کشاورزی دانست. یا تزریق آمپول یا خوراندن دارو در واپسین لحظات به بیمار مسموم شده در اثر مصرف مواد خوراکی فاسد را مانع مسمومیت یا فوت بیمار دانست

۳- : مفهوم سبب در نظام حقوقی ایران :

۳-۱- جایگاه سببیت فلسفی و عرفی در نظام حقوقی ایران:

ملاک شناسایی سبب موثر در نظام حقوقی ایران متأثر از نظام فقهی است. از یک طرف ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی به واضح وجه ممکن در مقام رسمیت بخشیدن به شناسایی ملاک اگر نبود در حقوق ایران است. مطابق این ماده که در مقام تعریف تسبیب (ایراد خسارت غیر مستقیم) بر آمده است: «تسبیب در جنایت آن است که؛ کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد. مانند آنکه، چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند» همانطور که ملاحظه می شود عبارت «در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی شد» مبین شناسایی سبب موثر و تمایز آن از عوامل

غیرموثر در حقوق مسئولیت مدنی ایران از سوی قانونگذار است. زیرا بطور ساده در مقام بیان این مطلب است که تسبیب رفتاری است که اگر نبود، جنایت حاصل نمی‌شد. نوعی روبرکرد سلبی نسبت به رابطه سببیت که برای شناسایی عوامل موثر در بروز حادثه، آن را از سناریوی حادثه حذف می‌کند تا ببیند آیا باز هم آن حادثه با نبود یا فقدان آن عامل، حاصل می‌شود یا خیر؟.. در صورتی که پاسخ، عدم حصول حادثه باشد، آن سبب از اسباب موثر است. در غیر این صورت از عوامل غیر موثر به شمار خواهد آمد. در مثالی هم که در ماده ۵۰۶ آمده است به خوبی می‌توان جایگاه ملموس این استاندارد را در نظام حقوقی ایران مشاهده نمود. مسئله حفر چاه و افتادن کسی درون آن و صدمه دیدن. واضح است که، اگر چاهی حفر نمی‌شد (اگر چاه نبود)، افتادن و در نهایت صدمه دیدن هم رخ نمی‌داد. رابطه علیت یا سببیت، تاثیر گذاری وجودی علت یا سبب در تحقق معلول یا مسبب است. تاثیر گذاری هر علت یا سبب به تنهایی در تحقق وجودی معلول به دوشکل قابل تصور است:

حالت اول: تاثیر ایجابی تاثیری که بر پایه آن وجود علت، ضرورتاً وجود معلول را به دنبال دارد و عدم علت، ضرورتاً عدم معلول را. مانند: تاثیر شلیک گلوله توسط الف به سمت سر فرد ب و فوت ب، یا خوراندن سم مرگ آور توسط الف در نوشیدنی فرد ب و فوت ب در اثر نوشیدن سم یا فوت ب در اثر برخورد مستقیم با اتومبیل فرد الف. در هر سه مثال مذکور، تاثیر فعل الف بر فوت فرد ب تاثیر ایجابی است، به این معنا که وجود علت یا سبب، ضرورتاً وجود معلول را به دنبال دارد. منظور از وجود، وجود صرف یا محض نیست، بلکه وجود موثر است. یعنی؛ فی المثل منظور از علت یا سبب، صرفاً اتومبیل در حال رانندگی توسط الف نیست، بلکه برخورد اتومبیل در حال رانندگی توسط الف با فرد ب را، علت محسوب می‌کنیم. هم چنین می‌توان گفت عدم برخورد اتومبیل الف با فرد ب، ضرورتاً عدم فوت ب را به دنبال دارد.

حالت دوم: تاثیر سلبی: دخالت برخی عوامل در تحقق معلول به گونه ای است که، وجودشان ضرورتاً وجود معلول را به دنبال ندارد، اما عدمشان ضرورتاً موجب عدم تحقق معلول خواهد بود. در این حالت، وجود سبب به نحو ایجابی در تحقق وجودی معلول تاثیر ندارد، اما عدمش در عدم تحقق معلول موثر خواهد بود. مثال سنتی که در حقوق مسئولیت مدنی و فقه از آن یاد می‌شود، افتادن فرد در گودال یا چاه حفر شده توسط فرد دیگر است^۱. در این مثال گفته می‌شود که، حفر چاه (علت) ضرورتاً موجب افتادن فردی درون چاه و صدمه دیدگی او نیست، اما اگر چاهی حفر نمی‌شد، افتادن و صدمه دیدگی (معلول) نیز رخ نمی‌داد. پس وجود چاه (علت یا سبب)، لزوماً وجود معلول (صدمه دیدگی) را به دنبال ندارد، اما عدم حفر چاه، ضرورتاً عدم صدمه دیدگی را به دنبال دارد. در خصوص تاثیر سلبی برخی اسباب در تحقق معلول، چند نکته قابل مشاهده است:

^۱ در ماده ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی نیز همین مثال در تعریف تسبیب آمده است.

از طرف دیگر در قانون مدنی و مجازات اسلامی نیز به تاسی از نظام فقهی پس از طرح طبقه انواع رابطه سببیت (مباشرت/تسبیب و اجتماع اسباب)، توجه قانون گذار به موقعیت‌های رفتاری متداول و متعارفی است که در جریان عادی و عملی زندگی روزانه مردم اتفاق می افتد. نکته ای که حاکی از تمایل و گرایش قانونگذار به رویکرد عملی-عرفی و فاصله‌گیری از رویکرد فلسفی-حقوقی در شناسایی سبب موثر است. نظیر: ارباب یا ترساندن دیگری به طرق مختلف (مواد ۴۹۹ و ۵۰۱ ق.م.ا، پرت کردن خود و افتادن شخص روی دیگری، پرت کردن دیگری روی ثالث) (م ۵۰۳ ق.م.ا)، حفر گودال در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری (ماده ۵۰۷ ق.م.ا)، توقف خود یا وسیله نقلیه خود در مکان غیرمجاز (۵۱۲ ق.م.ا)، قراردادن شی بر روی دیوار یا بالکن یا مکان مجاز یا غیرمجاز (م ۵۱۶ ق.م.ا)، قراردادن کالا در خارج مغازه یا پارک کردن اتومبیل در مقابل منزل (م ۵۱۵ ق.م.ا) احداث ملک به نحو مجاز یا غیر مجاز (مواد ۵۱۷ الی ۵۲۰ ق.م.ا)، روشن کردن آتش در مکان مجاز یا غیرمجاز (م ۵۲۱ ق.م.ا)، حمله حیوان دارای صاحب به انسان (م ۵۲۲ ق.م.ا). در تمامی موقعیت‌های رفتاری فوق الذکر، قانونگذار با بکارگیری عباراتی نظیر: **در اثر**، **موجب** و...، به قضاوت عملی عرف (سببیت عرفی) در شناسایی سبب موثر و انتساب جنایت یا خسارت به فعل غیرمجاز گردن نهاده است (صفایی، ۱۳۹۶، ۲۰۷). در تمامی مواد فوق شاهد نوعی ایراد خسارت مستقیم (مباشرت) یا ارتکاب نوعی امر نامعمول یا نامتعارف از سوی سبب غیر مستقیم هستیم و عرف به آسانی عامل یا سبب موثر را شناسایی می کند (بابایی، ۱۳۹۴، ۸۹-۹۲). علاوه بر نمونه های رفتاری اشاره شده در مواد قانونی فوق الذکر، قانونگذار در برخی مواد با وضوح بیشتری بر مسئله عرفی بودن شناسایی سبب موثر (انتساب ضرر به فعل زیان بار) تاکید دارد. مطابق ماده ۳۳۲ قانون مدنی «هر کس سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشرمسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد به نحویکه عرفاً اتلاف مستند به فعل او باشد». این ماده صراحتاً عرف را ملاک قابلیت انتساب یا استناد تلف به فعل زیانبار میدانند. به عبارت دیگر شناسایی سبب موثر (عاملی به بتوان ضرر را به فعل او نسبت داد)، از دیدگاه قانونگذار امری کاملاً عرفی است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۴۶۰). اغلب حقوقدانان نیز با مناسب دانستن نظریه سبب متعارف و اصلی در حقوق ایران، بجای سببیت فلسفی بیشتر متمایل به سببیت عرفی هستند (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ۴۷۱، صفایی، ۱۳۹۶، ۲۰۷-۲۰۸، بابایی، ۱۳۹۴، ۹۹-۱۰۰).

۲-۳- نقدی بر سببیت فلسفی و عرفی:

به نظر نگارنده یکی از بزرگ ترین نقدهای وارد بر تحلیل های مربوط به سببیت فلسفی (ملاک اگر نبود)، مسئله چشم پوشی از مجموعه عوامل است که در پیوند وجودی با یکدیگر، معلول را بوجود می آورند و تمرکز جداگانه بر علت های ناقصه و نقش آن ها در تحقق معلول است. فرض کنید اتومبیلی که از قبل دارای نقض فنی بوده و تعمیر کار مبتدی در حین تعمیر، متوجه این نقص آشکار نگردیده،

درحین رانندگی با سرعت غیرمجاز با اتومبیل دیگر، که درحال سبقت غیر مجاز بوده است برخورد نماید و در اثر انحراف ناشی از این برخورد، با گاردریل غیر استاندارد که درحاشیه ی جاده نصب شده، برخورد نماید و در اثر برخورد با این گاردریل غیر استاندارد، سرنشین اتومبیل در اثر صدمات شدید، فوت نماید. روشن است که هیچ یک از عوامل موثر در حادثه به تنهایی موجب تحقق ضرر(معلول) نمی شوند. اما چگونه می توان با قاطعیت گفت اگر یکی از آن ها نبود، حادثه واقع نمی شد؟ آیا اساسا می توان فرض نبود آن ها را، درحادثه تصور کرد؟ حادثه ای که با وجود آن عامل به وقوع پیوسته است. حال چگونه می توان فرض عدم آن عامل را مطرح کرد؟

در پاسخ باید گفت: از آنجا که حادثه مورد نظر رخ داده و نمی توان ان را به گذشته برگرداند و عوامل دخیل را از آن حذف کرد، به ناچار باید یک حادثه نوعی را با همان موقعیت و عوامل دخیل در حادثه شبیه سازی نمود و سپس گفت: در چنین حوادثی اگر این عامل نبود، چه اتفاقی می افتاد؟ آیا معلول محقق می شد یا خیر؟ بدیهی است در علوم انسانی، آزمایشگاهی وجود ندارد تا دست به این شبیه سازی بزند و با آزمون و خطا بگوید، که اگر این عامل نبود، چه اتفاقی می افتاد(بابایی، ۱۳۹۴: ۸۸). در مثالی دیگر برای تفکیک سبب موثر از شرط، گفته شده است که، اگر عابری در اثر برخورد با یک وسیله نقلیه، پرتاب شود و در اثر این پرتاب، سر عابر با اتومبیل دیگری که در کنار خیابان توقف کرده است یا با مانع قرار داده شده کنار خیابان، برخورد کند و منجر به فوت عابر شود، از آن جا که اتومبیل توقف شده یا مانع گذاشته شده، اگر هم نبود، سر عابر در پی پرتاب، با زمین یا جدول کنار خیابان برخورد می کرد و فوت (معلول) رخ می داد، لذا این عامل سبب موثر نیست، بلکه صرفا شرط محسوب می شود. (بابایی، ۱۳۹۴، ۸۸)

در مثال مذکور، اولاً؛ چگونه می توان فرض نبود این عامل را در نظر آورد، در حالی که در واقعیت امر، این عامل در حقیقت حادثه، حضور داشته است و نمی توان در یک آزمایشگاه ذهنی آن را از پازل عوامل دخیل در حادثه حذف کرد و سنجید که آیا با نبود این عامل، حادثه رخ می داد یا خیر. حادثه با وجود عامل فوق رخ داده است.

ثانیا؛ با کدام قاطعیت و برهانی می توان گفت؛ که اگر اتومبیل نبود باز هم معلول (فوت عابر) رخ می داد؟ در حالی که می توان با قاطعیت گفت که سر عابر در اثر برخورد با این اتومبیل پارک شده صدمه دیده و موجب فوت عابر گردیده است. بر پایه همین نقدها به آزمایش اگر نبود در کامن لا بود که برخی حقوقدانان نظیر هارت و هانوره از ملاک ها و تحلیل های حقوقی در باب رابطه سببیت دست شسته و به ملاکهای واقعی و عرفی روی آوردند(بادینی، ۱۳۹۴، ۲۲۲-۲۲۳). به عبارت دیگر این رویکرد موجب فاصله گرفتن ما از واقعیت های عینی و داده های عینی حادثه رخ داده می شود و ما را به وادی تحلیل ها و برداشت های ذهنی رهنمود می سازد. جائی که درهای نسبیت به روی ما باز می شود چرا که ممکن است بنابر تحلیل ذهنی یک قاضی یا کارشناس حادثه، اگر فلان عامل نبود، آن

حادثه رخ می داد یا نمی داد ، اما از چشم انداز ذهنی قاضی با کارشناس دیگر ، عکس قضیه صدق کند(بابایی، ۱۳۹۴، ۸۸) .

در خصوص سببیت عرفی نیز باید گفت این رویکرد هیچگونه ضابطه دقیق و معینی در خصوص شناسایی سبب موثر ارائه نمی دهد و دادرس برای شناسایی سبب موثر در هر پرونده ای می بایست به منطق عرف مراجعه کند(صفایی-۱۳۹۶-۲۰۸). بدیهی است که هیچگونه مرجعی برای تشخیص عرفی بودن یا نبودن سبب موثر وجود ندارد . فقها نیز بر همین فقدان معنای منقح عرفی از سبب خرده گرفته اند(نجفی-ج۳۷-ص ۴۶). حقوقدانان رومی نظیر ریپر و بولانژه نیز براین باورند که نظریه سبب متعارف و اصلی ، با توجه به اینکه مسئله شناسایی روند عادی امور و تجربی عرفی زندگی متکی بر لزوم قابل پیش بینی بودن ضرر از سوی فاعل است، پوششی است که تحت لوای آن نظریه تقصیر مجددا احیا شود (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ص ۴۶۷-۴۶۸) و بر همین اساس دارای همان نقاط ضعف نظریه تقصیر است. بخصوص شرط لزوم قابل پیش بینی بودن ضرر از سوی فاعل آن که مبتنی بر آگاهی فاعل از پیامدهای عمل خویش است تا بتوان رفتار او را مورد سرزنش قرار داد و مسئولیت جبران خسارت را بر دوش او نهاد. مضافا هیچگونه ملاکی جهت احراز قابل پیش بینی بودن ضرر از سوی فاعل آن وجود ندارد و ادامه سرنخ این نظریه منتهی به ادغام عنصر رابطه سببیت در رکن تقصیر می شود و عملا چیزی از رکن مهم رابطه سببیت باقی نمی ماند(ژوردن، ۱۳۹۴: ص ۹۲). ایراد دیگری که میتوان بر سببیت عرفی وارد نمود این است که امروزه با توجه به تنوع و پیچیدگی بسیاری از حوادث و دخالت عوامل مختلف در وقع آن، قضاوت عرفی در خصوص علت وقوع حادثه نمیتواند ، حاوی ارزیابی های دقیق و درستی باشد چراکه حوادث مزبور مستلزم داشتن دانش فنی و تخصصی در زمینه حادثه مزبور است و واگذاری شناسایی علت وقوع حادثه به قضاوت عرفی، مارا به بیراهه می کشاند. نظیر حوادث رانندگی که از دید عرف ، فرد مقصر حادثه ممکن است با نظر افسر متخصص حوادث رانندگی که دارای دانش فنی در این زمینه است، متفاوت باشد. در سایر حوادث نظیر حوادث کاری، ورزشی، ساختمانی، پزشکی، محیط زیستی و.... وضع به همین منوال است.

۳-۳- ملاک پیشنهادی شناسایی سبب موثر:

آنچه به نظر نویسنده مناسب به نظر می رسد ، رویکردی است که می توان آنرا تحت عنوان **سببیت نوعی** نامگذاری نمود. رویکردی که متمرکز بر قابلیت و پتانسیل های عوامل دخیل در حادثه در بوجود آوردن خسارت به عنوان معلول است به عبارت دیگر ؛ به جای اینکه با شبیه سازی تخیلی ، عوامل دخیل را ابتدا حذف و تاثیر نبود آن ها را در بروز حادثه برآورد کنیم ، یا شناسایی علت حادثه را به قضاوت مبهم و ناقص عرف بسپاریم، باید به نحو ایجابی ببینیم که آیا آن عوامل با قرار گرفتن کنار هم و بر همکنش با یکدیگر، قابلیت و پتانسیل این را دارند که به عنوان علت بتوانند حادثه (معلول) مربوطه را بیافرینند؟ آیا از این عوامل ، ایجاد چنین حادثه یا خسارتی به لحاظ نوعی امکان

پذیر است یا خیر؟ آیا از هم بهم پیوستن این عوامل، وقوع چنین حادثه و خسارتی قابل انتظار است یا خیر؟ در واقع تکیه گاه این رویکرد قابل انتظار بودن وقوع خسارت (معلول) بر پایه قابلیت نوعی برهم کنش افعال نامعمول و غیرمجاز است. بدون اینکه به مانند سببیت فلسفی نیازی به حذف تخیلی هر یک از عوامل جهت سنجش موثر بودن آنها باشد و بدون اینکه به مانند سببیت عرفی مبتنی بر قابل پیش بینی بودن ضرر از سوی فاعل آن باشد. رویکردی که بطور ضمنی می‌توان در میان آثار حقوقدانان اروپایی طرفدار نظریه های احتمال مشاهده نمود که در مقام رد شرط قابل پیش بینی بودن ضرر در رویکرد سببیت عرفی بر این باورند که سبب موثر مبتنی بر پیشگویی نوعی برای گذشته است به نحوی که کافی است از تجربه تکرار مشابه فعل زیانبار و وقوع نتایج یکسان بتوان اینگونه نتیجه گیری کرد که آن عامل با درجه احتمال معینی، وقوع چنین پیامدی (خسارت) را به دنبال دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۴۶۸ - مرادخانی، ۱۴۰۲، ۲۱۸). بطور خلاصه مزیت های رویکرد سببیت نوعی نسبت به سببیت فلسفی و عرفی را می توان بدین گونه برشمرد:

۱- مهم ترین مزیت این رویکرد، نگاه رئالیستی و واقع گرایانه به مسئله علیت و پرهیز از تخیل و تصویر سازی ذهنی به مانند ملاک اگر نبود، است. این رویکرد به جای تصور غیر ممکن و خلاف واقعی، مبنی بر حذف یک عامل از مجموعه عوامل حادثه و ارزیابی ذهنی تاثیر نبود آن در بروز حادثه، بر واقعیت های عینی حادثه متکی است و قابلیت نوعی عوامل در بروز حادثه را مورد ارزیابی قرار می دهد. ملاک احراز این قابلیت نیز وجود تجربیات مشابه حادثه متنازع فیه و تکرار نتایج یکسان در حوادث مشابه است که موجب شکلگیری نوعی درجه احتمال غالب می شود که میتوان بدان اتکا نمود و علت حادثه را بر مبنای محتمل ترین گزینه بر اساس قابلیت های ایجاد آن حادثه دانست. به نظر نویسنده، سببیت نوعی از لحاظ روش شناسایی سبب موثر در حقوق مسئولیت مدنی، بیشترین شباهت را به رویکرد علمی شناسایی علت در حوادث علوم تجربی دارد. به گونه ای که علی رغم امکان ناپذیری وجود آزمایشگاه جهت بررسی علت وقوع حادثه به شیوه آزمون و خطا (نظیر علوم تجربی)، لیکن به دلیل اتکا به تکرار تجربیات مشابه و نتایج یکسان و احتمال غالب، بر همان بن مایه هایی استوار است که علوم تجربی بر پایه آن بنا نهاده شده است.

۲- سببیت نوعی نقش به هم پیوستگی و برهم کنش عوامل در بروز حادثه را بسیار جدی می گیرد، در حالی که رویکرد سلبی اگر نبود، بیشتر بر جنبه انفرادی عوامل متکی است و با حذف انفرادی آن ها، از مجموعه عوامل دخیل در حادثه، نقش آن ها را به تنهایی در صورت فقدان آن ها مورد ارزیابی قرار می دهد. بسیاری از عوامل با قرار گرفتن در کنار عوامل دیگر، قابلیت تاثیر گذاری خواهند داشت و به تنهایی تاثیری در بروز حادثه ندارند. در بسیاری موارد نیز برخی عوامل، زمینه تشدید، تقویت یا تسهیل تاثیرگذاری عوامل دیگر را فراهم می آورند مانند: قرار دادن انبار چوب در محل غیرمجاز که با سرایت آتشی که به نحو غیر مجاز مشتعل گردیده موجب افزایش قدرت اشتعال آن گردیده به نحوی

که ترکیب آنها موجب سرایت آن به مزرعه مجاور و سوختن محصولات و احشام آن می گردد. فرض کنید راننده الف به منظور سبقت در منطقه سبقت ممنوع، وارد مسیر روبرو می شود و با راننده اتومبیل ب برخورد می کند، و در اثر این برخورد، اتومبیل ب از مسیر اصلی منحرف می گردد و با مصالح دپو شده ای که به نحو غیرمجاز، کنار جاده تخلیه گردیده، اصابت می نماید که در اثر این باصابت، دو نفر از سرنشینان خودرو ب فوت می کنند. موقعیت حادثه به گونه ای است که اگر، مصالح ساختمانی دپو شده غیرمجاز نیز نبود، اتومبیل به ته دره یا شیب تند سقوط می کرد و به احتمال زیاد جان سرنشینان گرفته می شد. حال اگر با تکیه بر ملاک اگر نبود به حادثه نظر افکنیم باید عاملی که مصالح ساختمانی را در مکان غیر مجاز تخلیه کرده از عوامل موثر در حادثه کنار بگذاریم. چرا که اگر این مصالح نیز نبود، ممکن بود در اثر سقوط به دره، سرنشینان فوت می شدند. اما در پاسخ باید گفت مسئله احتمال فوت سرنشینان در اثر سقوط به دره، صرفاً نوعی تخیل و تصویر سازی ذهنی است و قابل پذیرش نیست چرا که اولاً این مسئله کاملاً جنبه ی احتمالی دارد و با قطع و یقین نمی توان گفت که اگر مصالح هم نبود، باز هم سرنشینان فوت می کردند. ثانیاً: آنچه در واقعیت رخ داده، این است که حادثه (فوت سرنشینان) در اثر ترکیب و کنار هم قرار گرفتن، دو عامل رخ داده است: ۱- انحراف از مسیر در اثر برخورد با اتومبیل الف ۲- برخورد با مصالحی که به نحو غیر مجاز در آن جا دپو شده است. هر دو عامل با در کنار هم قرار گرفتن، قابلیت و پتانسیل نوعی تحقق حادثه را داشته اند و از ترکیب این عوامل، وقوع چنین خسارتی نوعاً قابل انتظار است.

نتیجه گیری:

برآیند رویکردهای مطرح در زمینه شناسایی سبب موثر حاکی از این مطلب است که حقوق دانان در نظام های حقوقی مختلف در ابتدا متأثر از اندیشه های فیلسوفان در باب مفهوم علیت، به طرح اندازی رویکردی فلسفی در باب رابطه سببیت همت گماردند. رویکردی که سبب موثر را عاملی می داند که اگر نبود، خسارت واقع نمی شد. دشواری احراز رابطه سببیت بر پایه سببیت فلسفی و فاصله آن از حقایق عینی حادثه، موجب رویگردانی حقوق دانان از ضابطه فلسفی و گرایش به سمت راهکاری ساده و دور از تکلفات سببیت فلسفی گردید. رویکردی که بر مبنای روند جریان عادی امور و تجربه زندگی و قابلیت پیش بینی ضرر از سوی فاعل آن استوار است. با این وجود فقدان ضابطه دقیق، ناتوانی در شناسایی سبب موثر در حوادث مستلزم دانش فنی و تخصصی و اتکای بیش از حد به شرط قابل پیش بینی بودن ضرر از نقاط ضعف سببیت عرفی است که نمی توان از آن چشم پوشی نمود. در این میان می بایست به دنبال رویکردی بود که در عین توجه به داده های عینی حادثه و پرهیز از تصویرسازی ذهنی، مجهز به دانش فنی و تخصصی بوده و بر قابلیت های نوعی عوامل در بروز حادثه متکی باشد. رویکردی که مبتنی بر درجه احتمال غالب ناشی از تجربه تکرار حوادث و بروز نتایج و پیامدهای مشابه باشد. سببیت نوعی را می توان مناسبترین ملاک جهت شناسایی سبب موثر تلقی کرد. بدین

ترتیب که عامل یا عواملی سبب موثر محسوب می‌شوند که به تنهایی یا با برهمکنش با عوامل نامعمول دیگر، قابلیت ایجاد حادثه و خسارت مورد نظر را داشته باشند. منشا اتکا و شناسایی این قابلیت، وجود درجه احتمال بالایی است که در اثر تکرار تجربیات مشابه و بروز نتایج یکسان پدید آمده است.

فهرست منابع:

کتابها:

- ۱- ابراهیمی دینانی- غلامحسین (۱۳۹۳)- قواعد کلی فلسفه اسلامی- ج ۲- تهران- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی-
- ۲- ابن سینا (۱۳۸۳)- اشارات و تنبیهات- ترجمه دکتر احمد بهشتی- قم-
- ۳- انصاری- مرتضی (۱۲۸۳)- مطارح الاظار- قم- انتشارات مجمع فکر اسلامی
- ۴- بابایی- ایرج (۱۳۹۴) حقوق مسئولیت مدنی والزامات خارج از قرارداد- تهران- نشر میزان
- ۵- بابایی- پرویز (۱۳۹۲)- مکتبهای فلسفی- تهران- نشر نگاه
- ۶- بادینی- حسن (۱۳۸۴)- فلسفه مسئولیت مدنی- شرکت سهامی انتشار
- ۷- حکمت نیا- محمود (۱۳۸۶)- مسولیت مدنی در فقه امامیه- قم- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی-
- ۸- ژوردن- پاتریس (۱۳۹۴)- اصول مسئولیت مدنی- ترجمه مجید ادیب- تهران- نشر میزان
- ۹- سبحان تبریزی (۱۴۲۴ق)- جعفر- ارشاد العقول الی مباحث الاصول- قم- موسسه امام صادق
- ۱۰- شهرکانی- ابراهیم (۱۴۳۰)- المفید فی شرح اصول فقه- قم- ذوی القربی-
- ۱۱- شهید ثانی (۱۴۱۳ق)- مسالک الافهام فی تنقیح شرایع الاسلام- جلد ۱۵- قم- موسسه المعارف الاسلامیه-
- ۱۲- شهید اول، محمد. القواعد و الفوائد فی الفقه - کتا بفروشی مفید، قم- بی تا
- ۱۳- صافی گلپایگانی- لطف الله (۱۴۲۸ق)- بیان الاصول- ج ۱- قم- دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی
- ۱۴- صدرالدین شیرازی- محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱)- الحکمه متعالیه فی الاسفار العقلیه- پیروز- بیروت- دار احیاء التراث العربی
- ۱۵- صدر محمد باقر (۱۴۰۸ق)- شرح العروه الوثقی- ج ۴- قم- مجمع الشهد آیت الله الصدر العلمی

- ۱۶- صفائی-سید حسین(۱۳۸۸)الزامات خارج از قرارداد-تهران-نشر سمت
- ۱۷- عراقی-ضیاءالدین(۱۳۶۳ش)-تحریر الاصول-قم-بینا
- ۱۸- علامه حلی(۱۴۱۳ق)-قواعد الاحکام- قم-موسسه نشر اسلامی
- ۱۹- کاپلستون- فردیک(۱۳۸۲)تاریخ فلسفه- جلد پنجم-ترجمه امیر جلال الدین اعلم-تهران- انتشارات علمی و فرهنگی
- ۲۰- کاتوزیان-ناصر(۱۳۹۲)- مسئولیت مدنی- تهران- انتشارات دانشگاه تهران
- ۲۱- کشاورز-اسماعیل(۱۳۹۸)-ساختار مسئولیت مدنی- تهران-انتشارات مجد
- ۲۲- مراغه ای، میرفتاح(۱۴۱۷ه.ق)-العناوین الفقهیه، قم-موسسه نشر اسلامی،
- ۲۳- ملاصدر(۱۳۷۸)-اسفار- ترجمه محمد خواجوی- تهران- نشر مولی
- ۲۴- موسوی بجنوردی(۱۳۷۷)، القواعد الفقهیه-، ج ۲- قم- نشر هادی
- ۲۵- موسوی خمینی- روح الله(۱۳۶۸)- تحریر الوسیله- ج ۲- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)-تهران
- ۲۶- میزان قمی-ابوالقاسم(۱۴۳۰ق)-القوانین المحکمه فی الاصول-قم-احیاء مکتب الاسلامیه-
- ۲۷- نائینی-محمد حسین(۱۳۷۶ش)-الفوائد الاصول-ج ۱- قم-مؤسسه النشر الإسلامی،
- ۲۸- نجفی-سید محمدحسین(۱۴۱۳ه ق) جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام-ج، ۳۷، ۴۳، ۴۲، بیروت- دار احیاء التراث العربی
- ۲۹- نراقی- محمد مهدی(۱۳۹۰ش) انیس المجتهدین فی علم الاصول-قم-بوستان کتاب
- ۳۰- نواک-جورج(۱۳۸۴)فلسفه تجربه گرا- ترجمه پرویز بابایی-تهران-نشر آزاد مهر

مقالات:

- ۱- غلامی، حسین غلامرضا چاه آبی(۱۳۹۵ش) مفهومی سبب و شرایط آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲- فصلنامه قضات-ش ۸۸- ص ۴۹-۷۱
- ۲- قربانی-قدرت الله(۱۳۸۶) -علیت از منظر تجربه گرایان غربی و نقد آن از دیدگاه حکمت متعالیه-فصلنامه اندیشه نوین دینی-شماره ۹-ص. ۱۶۱-۱۹۷
- ۳- متقی فر-سعید(۱۳۹۴)-علیت، عینیت و ذهنیت؛ بررسی آرای ملاصدرا و هیوم- مجله ذهن-ش ۶۱-ص ۲۷-۵۸

۴- مرادخانی، احمد(۱۴۰۲)، قابلیت حقوق ثمن یا مئمن واقع شدن، مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۷۱.

۵ - مقدم-غلامعلی(۱۳۹۹) مطالعه تطبیقی علت تامه و ناقصه در فلسفه با سبب و شرط در علم اصول- مجله آموزه های فلسفه اسلامی-ش ۲۶- ص ۲۳۱-۲۵۰

Allameh Hali(۱۴۱۳ AH) -Qabam Al-Ahkam- -Qom- Islamic Publication Institute[In Arabian]

Ansari-Morteza(۱۳۸۳)-Matarah al-Athar- Publications of Islamic Thought Forum -Qom[In Persian]

Babaei-Iraj(۲۰۱۴)—Law of Civil liability, requirements outside the contract- Tehran-Nash Mizan[In Persian]

Babaei-Parviz(۲۰۱۳)-Philosophical schools-Tehran-Negha publication [In Persian]

Badini-Hassan(۲۰۰۴)-Philosophy of Civil Responsibility-Publishing Joint Stock Company[In Persian]

Colman-Jules-(۲۰۰۱), Tort Law and Tort Theory, Preliminary Reflections on Method, Edited by Gerald J. Postema, Cambridge University press,

Cooke-John-(۲۰۱۱)- Law of Tort - Pearson Education Limited,

Copleston-Frederick(۲۰۰۳)--History of Philosophy-Volume ۵-Translated by Amir Jalaluddin Aalam-Tehran-Scientific and Cultural Publications[In Persian]

Ebrahimi Dinani-Gholamohsin(۲۰۱۳)-General Rules of Islamic Philosophy- Vol. ۲-Tehran-Research Institute of Humanities and Cultural Studies[In Persian]

Gholami, Hossein Gholamreza Chah Abi(۲۰۱۳)- The concept of cause and its conditions in the Islamic Penal Code- Judges Quarterly - No. ۸۸[In Persian]

Ghorbani-God's power (۲۰۰۶) - Causality from the point of view of Western empiricists and its criticism from the perspective of transcendental wisdom-New Religious Thought Quarterly-No ۹[In Persian]

Hart-H.L.A.&Honore-Tony(۱۹۹۰)-Causation in the law-Clarendon Press-Oxford-۱۹۹۰

Hedley-Stive-(۲۰۱۱)-Tort-London-Oxford University Press

Hikmat Nia-Mahmoud(۲۰۰۷)-Civil Responsibility in Imamiyyah Jurisprudence-
Research Institute of Islamic Sciences and Culture-Qom[In Persian]

Honore, A.M., (۱۹۸۳), Causation and Remoteness of Damage International
Encyclopedia Comparative Law, V.X|۱ Torts, Chapter ۷, Germany, J.C.B Mohr.

Hume-/david(۱۹۵۱)-Enquiries concerning the Human Undrestanding and
concerning the Principles of Morals-dited by L.A.Seilby-Bigge-Oxford
university press-

Hume-David-(۱۹۵۱),A Treatise Of Human Natureedited by A.D.Lindsay-
Oxford university press

Ibn Sina -(۱۳۸۳) Esharat and tanbihat - Translated by Dr. Ahmed Beheshti -
Qom [In Persian]

Iraqi-Ziauddin(۱۹۸۴)-Tahrir al-Asul-Qom-Bina[In Arabian]

Jourdan-Patris(۲۰۱۴) Principles of civil responsibility-Translated by Majid
Adib-Tehran-Mizan publication[In Persian]

Katouzian-Nasser (۲۰۱۲) - Civil responsibility - Tehran University Press –
Tehran[In Persian]

Keshavarz-Ismail(۲۰۱۸)- Structure of Civil Responsibility -Tehran-Majd
Publications[In Persian]

Levitt-Albert(۱۹۲۲)- Cause, Legal Cause and Proximate Cause-Michigan Law
Review

Maragheh, Mirfatah (۱۴۱۷ AH) - Al-Anawin al-Faqhiyyah, Islamic Publishing
Institute, Qom[In Arabian]

Mazeaud-Henri, Léon et Jean (۱۹۹۸), Leçons de Droit Civil, T.۲ V.I Obligation,
۹e édition Par François Chabas, Paris, Montchrestien

Mizan Qomi-Abul-Qasim(۱۴۳۰ AH) -Al-Quwanin al-Muhkama fi al-Asul-Qom-
Revival of the School of Islam[In Arabian]

Moghaddam-Gholamali (۲۰۱۹) Comparative study of complete and incomplete

cause in philosophy with cause and condition in the science of principles -
Journal of Teachings of Islamic Philosophy -No ۲۶ [In Persian]

Motaghi Far-Saeed (۲۰۱۴) - Causality, objectivity and subjectivity; Examining
Mulla Sadra's and Hume's Opinions - Mind Magazine - No ۶۱ [In Persian]

Mousavi Bojnwardi (۱۹۹۸), al-Qavaed al-Fiqhiyyah, vol ۲ - Hadi-Qom
publication [In Arabian]

Mousavi Khomeini-Ruhullah (۱۹۸۹)-Tahrir al-Wasila- Vol. ۲-Institute for
organizing and publishing the works of Imam Khomeini (RA)-Tehran-[In
Arabian]

Mulla Sadra (۱۹۹۹)-Esfar- translated by Mohammad Khajawi- Tehran- Moly
publication [In Persian]

Naini-Mohammad Hussein (۱۳۷۶ AH)-alfavaed alosul -Vol. ۱-Islamic
Publishing Foundation, Qom [In Arabian]

Najafi- Seyyed Mohammad Hossein (۱۴۱۳ AH) - Javaher al-Kalam fi Sharh
Shariah al-Islam-vol ۳۷، ۴۳، ۴۲-. Beirut Dar Revival of the Arab Heritage [In
Arabian]

Naraghi-Mohammed Mahdi (۲۰۱۹) -Anais Al-Mujtahedin Fi Alam Al-Asul-Qom
Bostan Kitab [In Arabian]

Novak-George-(۲۰۰۵)-Empiricist philosophy- translated by Parviz Babaei-
Tehran-Azadmehr Publishing House [In Persian]

Sadr al-Din Shirazi-Muhammad bin Ibrahim (۱۹۸۱)-Al-Hikma al-Taaliyyah fi al-
Isfar Al-Aqliyyah-Pirouz-Dar Rehya al-Tratah al-Arabi-Beirut [In Arabian]

Sadr Muhammad Baqir (۱۴۰۸ AH)- Explanation of Al-Urwat Al-Wuthqa - Part
۴ - Martyr Ayatollah Al-Sadr Scientific Complex - Qom [In Arabian]

Safai-Seyd Hossein (۲۰۱۸) --Obligatins outside the contract-Tehran-Samt
publication [In Persian]

Safi Golpaigani-Lotfullah (۱۴۲۸)-Bayan al-Asul-Vol. ۱-Qom-Book of Ayatollah
Lotfullah Safi Golpaigani [In Arabian]

Shahid avval. Al-Qasem and Al-Faadiy in Fiqh - Mufid bookstore, Qom-Bita [In

Arabian]

Shahid Sani(۱۴۱۳ A.H.) Masalek Al-Afham fi Tankih Shari'e-Islam-Volume ۱۵-
Musse al-Ma'arif al-Islamiyya-Qom[In Arabian]

Shahrkani-Ibrahim(۱۴۳۰)- Al-Mufid fi Sharh Usul Fiqh- Qom- Dhuwi al-
Qorabi[In Arabian]

Sobhan Tabrizi-Jaafar(-۱۴۲۴ AH) -Eshad al-Aqool ela mabehes alosul-Qom-
Imam Sadiq Institute[In Arabian]